

Examining Theoretical Models in Foreign Direct Investment (FDI) and Proposing a Development Model Suitable for Iran

1. Seyyed Gholamhossein Mousavi: Department of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran
2. Jalal Derakshah*: Department of Islamic Education and Political Science, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran. Email: j.dorakhshah@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Reza Shirzadi: Department of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad university, Karaj, Iran

ABSTRACT

The aim of this research is to examine the theoretical models in the field of Foreign Direct Investment (FDI) and to propose a development model suitable for Iran. The research method is descriptive-analytical. The materials and data are qualitative, and data collection was conducted through note-taking. The analysis of the FDI situation in Iran indicates that these investments have been influenced by political and economic factors over different periods, ranging from the plundering of national resources in the first period (before 1931) to the reduced willingness of investors following the nationalization of the oil industry and the sharp decline in investments after the Islamic Revolution. Following the approval of incentive laws after 1993, Iran reached a turning point in attracting Foreign Direct Investment (FDI), but has not yet achieved significant successes in this area. On the other hand, in the effort to identify the optimal model for Iran, Peter Evans' theory was found to be the most compatible with the country's conditions. This theory emphasizes the multiple roles that the government can play in this regard and defines four key roles for the government. These roles include stewardship and ownership, which all governments perform, in addition to the roles of enabling and nurturing, which were analyzed in the context of Iran. According to the results, attracting FDI requires stability in macroeconomic variables, improvement of the business environment, provision of appropriate regulations for a transparent tax system, banking, insurance, and privatization, enhancement of customs processes, formulation of facilitating legal and economic regulations for attracting foreign investment, along with the development of targeted development strategies focusing on areas with comparative advantages and value chains, including oil, energy, and petrochemicals.

Keywords: *Foreign Direct Investment, Development, UNCTAD, Foreign Investment Development Model.*

How to cite: Mousavi, S. G., Derakshah, J., & Shirzadi, R. (2024). Examining Theoretical Models in Foreign Direct Investment (FDI) and Proposing a Development Model Suitable for Iran. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 193-217.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 November 2024
Revise Date: 09 December 2024
Accept Date: 22 December 2024
Publish Date: 31 December 2024



بررسی الگوهای نظری در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و ارائه مدل توسعه‌ای متناسب با ایران

۱. سید غلامحسین موسوی: گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. جلال درخشه: گروه معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. پست الکترونیک: j.dorakhshah@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. رضا شیرزادی: گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی الگوهای نظری در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و ارائه مدل توسعه‌ای متناسب با ایران می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. مواد و داده‌ها کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب استفاده شد. تحلیل وضعیت FDI در ایران نشان می‌دهد که این سرمایه‌گذاری‌ها در دوره‌های مختلف از چپاول منابع ملی در دوره اول (قبل از سال ۱۳۱۰)، تا کاهش تمایل سرمایه‌گذاران پس از ملی شدن صنعت نفت و کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌ها پس از انقلاب اسلامی، تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی قرار داشتند. با تصویب قوانین تشویقی پس از سال ۱۳۷۲، ایران به نقطه عطفی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) دست‌یافت، اما هنوز موفقیت‌های قابل‌توجهی در این زمینه به دست نیاورده است. از طرفی، با توجه به تلاش برای شناسایی الگوی مطلوب برای ایران، نظریه پیتر ایوانز دارای بیشترین انطباق با شرایط کشور تشخیص داده شد. این نظریه بر اهمیت چندگانه‌ای که دولت می‌تواند در این زمینه ایفا کند، تأکید دارد و چهار نقش کلیدی برای دولت تعریف می‌کند. این نقش‌ها شامل متولی‌گری و تصدی‌گری که تمامی دولت‌ها آن را ایفا می‌کنند به‌علاوه نقش قابلیت‌گری و پرورش‌گری هستند که با توجه به شرایط ایران تحلیل شد. طبق نتایج، جذب FDI نیازمند ثبات متغیرهای کلان، بهبود فضای کسب‌وکار، ارائه مقررات مناسب برای نظام مالیاتی شفاف، بانک، بیمه و خصوصی‌سازی و بهبود فرآیندهای گمرکی، تدوین قوانین و مقررات حقوقی و اقتصادی تسهیل‌کننده در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کنار تدوین استراتژی‌های توسعه‌ای هدف‌دار با تمرکز بر حوزه‌های دارای مزیت نسبی و زنجیره ارزش از جمله نفت، انرژی و پتروشیمی است.

نحوه استناددهی: موسوی، سید غلامحسین، درخشه، جلال، و شیرزادی، رضا. (۱۴۰۳). بررسی الگوهای نظری در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و ارائه مدل توسعه‌ای متناسب با ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۲۱۷-۱۹۳.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳

به لحاظ تاریخی نقش و جایگاه سرمایه‌گذاری در فرآیند رشد و توسعه به حدی است که سرمایه‌گذاری را موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی نامیدند. امروزه و به‌خصوص در دهه‌های اخیر یکی از ویژگی‌های مهم اقتصادی جهانی، رشد چشمگیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی یا FDI^1 است که کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل متحد آن را روابط بلندمدت میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر (کشور میزبان) می‌داند که به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم کشورها برای جذب منابع مالی جدید، نقشی چندبعدی را در توسعه کشور میزبان ایفاء می‌کند (Klein, 2001). در مطالعات گوناگون مزایای متنوعی برای سرمایه‌گذاری خارجی ذکر شده است از جمله اشتغال، اکتساب دانش و فن‌آوری جدید، توسعه منابع انسانی، ادغام با تجارت جهانی، ایجاد محیط کسب‌وکار رقابتی، توسعه شرکت‌های داخلی و نهایتاً افزایش و توسعه همه‌جانبه برای کشورهای میزبان (Majumder & Saikat, 2023).

تحولات اقتصاد جهانی در چهاردهه اخیر حاکی از آن است که رقابت تنگاتنگی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورهای درحال توسعه در جریان است که دو پدیده در فراگیر شدن این رقابت اثرگذار بود:

۱- فروپاشی اردوگاه شرق سابق و الحاق کشورهای آن به بازارهای جهانی از جمله اقتصادهای مهمی مانند چین، روسیه، آلمان شرقی، لهستان، ویتنام و غیره (Gál & Gábor, 2022).

۲- تحول در رویکرد بسیاری از کشورهای درحال توسعه که سال‌ها استراتژی صنعتی شدن از مسیر جایگزینی واردات و حمایت از اقتصاد داخلی (اقتصاد تعرفه‌ای) را دنبال می‌کردند و با تغییر نگرش، رویکرد توسعه صادرات، باز کردن اقتصاد و تعامل با اقتصاد جهانی را در پیش گرفتند (Abdul Majeed et al., 2021).

ازاین‌رو مشاهده می‌شود که کشورهای صنعتی و درحال توسعه برای دستیابی توسعه همه‌جانبه و روزافزون خود رقابت تنگاتنگی را در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی دنبال می‌کنند (UNCTAD, 2024). سرمایه‌گذاری خارجی برای فعالیت‌های ملی اقتصادی نقش مکمل دارد. تجربه‌های موفق و ناموفق جهانی نشان می‌دهد کشورهایی در این حوزه موفق بوده‌اند که در وهله نخست در اقتصاد داخلی خود برنامه‌های توسعه‌ای و استراتژی واقع‌بینانه‌تری را مشخص نموده‌اند. اینکه کشورها در چه زمینه‌هایی به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارند و در کدام صنعت و فعالیت باید از سرمایه بین‌المللی استفاده کنند را استراتژی‌های توسعه‌ای کشور و چیدمان صحیح منابع ملی آن کشور تعیین می‌کند که جذب سرمایه‌های خارجی یک مؤلفه مهم و تأثیرگذار در آن می‌باشد (William et al., 2022).

مطالعات انجام‌شده در سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به‌عنوان تنها نهاد تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد کشورمان فاقد استراتژی توسعه‌ای در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و عمده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در حوزه نفت (در حوزه بهره‌برداری) معادن و پتروشیمی می‌باشد که با خرید لیسانس تکنولوژی به تولید محصولات باارزش‌افزوده پایین در این صنایع منتج شده است (Organization for Investment & Technical Assistance of Iran, 2012). ازاین‌رو به نظر می‌رسد جذب سرمایه‌های خارجی متناسب با کشورمان نه تنها به‌منظور جبران کمبود منابع مالی بلکه برای رفع کمبود دانش فنی و تکنولوژی تولید و کمبود کالای سرمایه‌ای با تکنولوژی بالا امری ضروری است.

همانگونه که آنکتاد، چارچوب جامع سیاست‌گذاری سرمایه‌گذاری خارجی را برای دستیابی به توسعه از یک‌سو مطلوب نمودن محیط سرمایه‌گذاری و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در چارچوب قانونی برای تحقق توسعه ملی می‌داند (آنکتاد، ۲۰۲۴)، لذا به نظر می‌رسد ادامه

حضور و رقابت‌پذیری کشورمان در این حوزه علاوه بر قواعد بین‌المللی نیازمند دستیابی به الگویی مشخص و کاربردی برای تحقق توسعه ملی دارد. با نگاهی اجمالی به روند تاریخی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مشاهده می‌شود تا قبل از سال ۱۳۱۰ سرمایه‌گذاری خارجی چندان در کشور صورت نمی‌پذیرفت و مقررات خاصی هم در این حوزه وجود نداشت و دولت‌های قدرتمند از جمله روس و انگلیس توانستند با استفاده از ضعف دولت مرکزی و به‌کارگیری قدرت نظامی، قراردادهای یک‌طرفه سرمایه‌گذاری را به نفع خود منعقد نمایند. از سال ۱۳۳۴ و با تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی توسط مجلس شورای اسلامی میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران با رشدی معادل ۴۴٪ در سال از ۳ میلیون ریال در سال ۱۳۳۶ به ۶۲۳۵ میلیون ریال در سال ۱۳۵۷ رسید (گزارش سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، ۱۴۰۳).

با وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران و پیامدهای مترتب آن یعنی کاهش ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و غیره میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافت و در ادامه دولت‌های وقت سعی نمودند با تنظیم هفت برنامه کلان توسعه‌ای، از اولین آن که برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تدوین گردید تا آخرین آن که در دست اجراست، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را برای جذب سرمایه‌های خارجی به‌عنوان بخشی از راهبرد کلان و درازمدت توسعه‌بخشی کشور اعمال نمایند ولیکن این سؤال مطرح می‌شود که به‌واقع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه نقشی در توسعه اقتصادی ایران ایفاء نموده است؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش نظریات دانشمندان مختلف در حوزه اقتصاد سیاسی، توسعه و سرمایه‌گذاری خارجی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و با فرض اینکه میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مستقیمی بر دستیابی به توسعه یا عدم حصول اهداف توسعه‌ای در ایران دارد، میزان افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری خارجی جذب‌شده در ایران در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی برای دوره موردبررسی در این تحقیق (۱۴۰۳-۱۳۵۷) ارزیابی می‌شود و با توجه به نظرات ترکیبی نهادگرایان تطبیقی به‌خصوص پیتر اوانز نظریه‌پرداز برجسته در حوزه توسعه و سرمایه‌گذاری خارجی، به بررسی الگوهای متناسب با ایران به‌منظور افزایش در میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته شده است.

۱- مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۲- نظریات ارائه‌شده در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در ذیل به بررسی و مرور برخی تئوری‌های موجود در این حوزه پرداخته خواهد شد:

۱-۲- چرخه زندگی محصول و رونو

ورنون (۱۹۶۰)، سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجه چرخه تولید می‌داند. تولید اولیه هر کالایی ابتدا در کشور ابداع‌کننده انجام می‌گیرد، آنگاه بعد از عرضه محصولات در بازار داخلی، به‌تدریج محصول به کشورهای خارجی صادر می‌گردد و به‌مرورزمان با افزایش صادرات در برخی کشورها، تولید این محصول نسبت به صادرات آن برای تولیدکننده مقرون‌به‌صرفه می‌شود، زیرا هزینه‌های توزیع کمتر می‌شود. در این مرحله، کشور نوآور امکان تأسیس یک واحد تولیدی در مکان خارجی را بررسی می‌کند و در صورتی که شرایط مساعد باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌پذیرد (Vernon, 1960). با توجه به نظریه چرخه تولید و رونو، این سؤال مطرح می‌شود که اصولاً چرا شرکت‌های خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌نمایند، درحالی‌که می‌توانند مجوز استفاده از تکنولوژی را به کشورهای خارجی بدهند. این سؤال از طریق نظریه بنگاه پاسخ داده می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها اجازه می‌دهد که بتوانند از امکاناتی نظیر دسترسی به

تکنولوژی، مهارت‌های مدیریتی، صرفه‌های ناشی از مقیاس و توانایی در بازاریابی استفاده کنند (Ruiz et al., 2024; Shao et al., 2023). نظریه بنگاه، در مورد اینکه چرا بنگاه‌ها از مزیت‌های ذکرشده در کشور خودشان استفاده نکرده و اقدام به صادرات نمی‌کنند، توضیحی ارائه نمی‌دهد. همچنین این نظریه قادر به بیان اینکه چه کشوری به‌عنوان مقصد سرمایه‌گذاری پذیرفته می‌شود، نیز نیست. ازاین‌رو، نظریه درونی کردن از سوی افرادی نظیر کاسن^۱ (۱۹۷۹) و برنتون و وینترز^۲ (۱۹۸۷) مطرح شد.

بر اساس این نظریه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌واسطه تلاش‌های بنگاه برای جایگزین کردن مبادلات بازاری با مبادلات داخلی، انجام می‌گیرد. در حقیقت، با ایجاد یک بنگاه جدید، برخی از هزینه‌ها نظیر وقفه زمانی، چانه‌زنی و عدم اطمینان، قابل صرفه‌جویی است و بنابراین بنگاه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به صادرات ترجیح می‌دهد. همچنین بر اساس تئوری دانینگ، برای اینکه بنگاه اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کند، سه شرط باید تأمین شود:

۱- باید در دارایی‌های غیر مشهود مزیت داشته باشد (مزیت مالکیتی).

۲- استفاده از این مزیت‌ها باصرفه‌تر از فروش یا اعطای آن‌ها باشد (مزیت درونی سازی).

۳- استفاده از این مزیت‌ها با ترکیبی از عوامل تولید در کشور میزبان برای بنگاه باصرفه‌تر باشد (مزیت مکانی).

برای انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باید هر سه مزیت مکانی، مالکیتی و درونی سازی وجود داشته باشد و هنگامی که یک شرکت خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند، مجموع این مزیت‌ها که در بالا مطرح شد، از مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری در خارج (نظیر هزینه‌های ارتباطات و اطلاعات) بالاتر باشد (Davoodi & Shahmoradi, 2004).

بنابراین درمجموع می‌توان گفت، مطابق با فرضیه‌ی چرخه‌ی زندگی محصول تولید از طریق چرخه‌ای از ابتکار شروع‌شده، رشد نهایی یافته، رشد آن کاهش و در آخر زوال می‌یابد. این نتیجه، در واکنش به فرآیند معرفی و ابداع، شیوع، بلوغ و پیری می‌باشد. این فرضیه‌ی مسلم می‌دارد که بنگاه‌های دارای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مرحله خاصی از چرخه زندگی، ابتدا دست به تولید ابداع می‌زند.

این فرضیه فرض می‌کند که اکثر محصولات از یک چرخه عمر پیروی می‌کنند که در آن ابتدا به‌عنوان نوآوری ظاهر می‌شوند و درنهایت کاملاً استاندارد می‌شوند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی حاصل می‌شود که شرکت‌ها با گسترش خارج از کشور و گرفتن رانت‌های باقی‌مانده ناشی از توسعه محصول، به تهدید از دست دادن بازارها با بلوغ محصول واکنش نشان دهند. این فرضیه که توسط ورنون (۱۹۶۶) ایجاد شد، عمدتاً برای توضیح گسترش شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بود.

نوآوری را می‌توان با نیاز به پاسخگویی به رقابت شدیدتر یا درک یک فرصت سود جدید تحریک کرد. محصول جدید به‌صورت محلی (در ایالات متحده) توسعه و تولید می‌شود، هم به این دلیل که برای برآوردن تقاضای محلی طراحی می‌شود و هم به دلیل اینکه هماهنگی کارآمد بین واحدهای تحقیق، توسعه و تولید را تسهیل می‌کند. هنگامی که اولین واحد تولیدی در بازار داخلی تأسیس شد، هر تقاضایی که ممکن است در بازار خارجی (اروپا) ایجاد شود، معمولاً از طریق صادرات برآورده می‌شود. بااین‌حال، تولیدکنندگان رقیب درنهایت در بازارهای خارجی ظهور خواهند کرد، زیرا آن‌ها می‌توانند ارزان‌تر (به دلیل هزینه‌های توزیع کمتر) نسبت به مبتکر اصلی تولید کنند. در این مرحله، مبتکر مجبور به بررسی امکان راه‌اندازی واحد تولیدی در محل خارجی می‌باشد. اگر شرایط مساعد در نظر گرفته شود، مبتکر به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازد. درنهایت، زمانی که محصول استاندارد شود و فن تولید آن دیگر در اختیار انحصاری مبتکر نباشد، ممکن است

¹ Casson

² Brenton P. & Winters

تصمیم بگیرد که در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری کند تا برخی از مزیت‌های هزینه مانند نیروی کار ارزان‌تر را به دست آورد (Ruiz et al., 2024).

آگاروال (۱۹۸۰) تعدادی از مطالعات را توصیف می‌کند که از فرضیه چرخه محصول پشتیبانی می‌کنند. این مطالعات عموماً به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده اشاره دارد، اگرچه برخی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آلمان و بریتانیا را نیز پوشش می‌دهد (Agarwal, 1980).

علیرغم آن نتایج مطلوب، قدرت توضیحی فرضیه چرخه محصول به‌طور قابل توجهی در نتیجه تغییرات در محیط بین‌المللی کاهش یافته است. ورنون (۱۹۷۹) اشاره کرده است که از آنجایی که شرکت‌های چندجانبه ایالات متحده در حال حاضر دانش بهتری از تقاضای بازار در سراسر جهان دارند، دیگر از توالی جغرافیایی معمولی برای اولین بار تأسیس شرکت‌های تابعه در بازارهایی که بیشتر با آن‌ها آشنا هستند، پیروی نمی‌کنند. کانادا و بریتانیا و سپس در مناطق کمتر آشنا، مانند آسیا و آفریقا؛ بنابراین، این فرض که شرکت‌های آمریکایی محرک برای توسعه محصولات جدید را فقط از بازار داخلی خود دریافت می‌کنند، دیگر قابل قبول نیست. علاوه بر این، از آنجایی که شکاف درآمدی و فناوریانه بین ایالات متحده و سایر کشورهای صنعتی کاهش یافته است، کمتر قابل دفاع است که فرض کنیم شرکت‌های آمریکایی در معرض محیط خانه بسیار متفاوتی از محیطی هستند که شرکت‌های دیگر کشورها با آن مواجه هستند. ورنون (۱۹۷۹) حدس زد که این فرضیه احتمالاً در توضیح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام‌شده توسط شرکت‌های کوچک و کشورهای در حال توسعه مهم باقی می‌ماند.

۲-۲- رویکرد التقاطی دانینگ

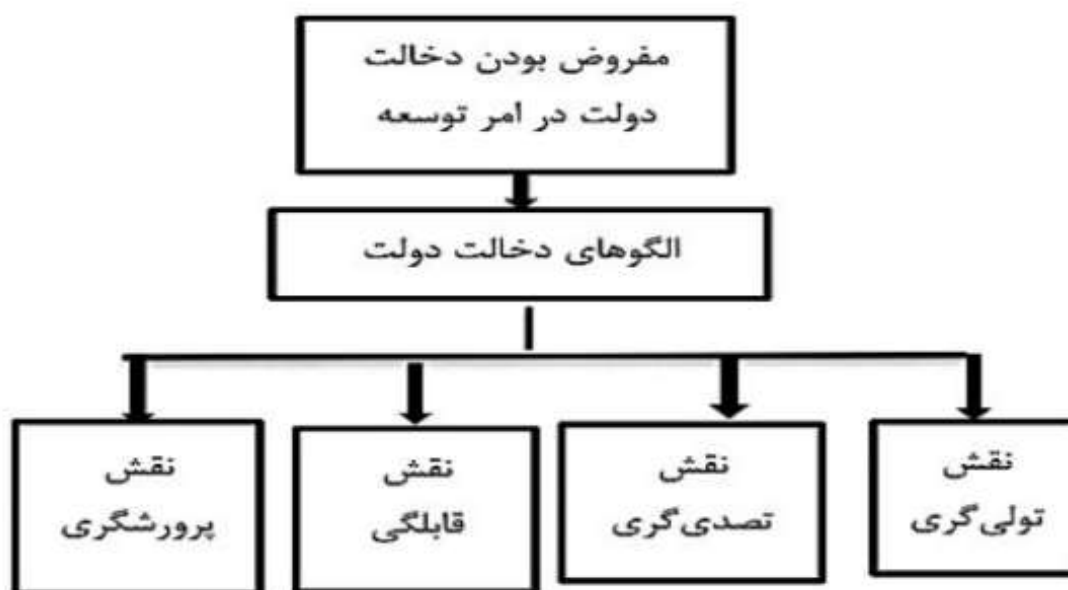
دانینگ (۱۹۷۷، ۱۹۷۹، ۱۹۸۸) یک رویکرد التقاطی را با ادغام سه رشته از ادبیات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسعه داد: نظریه سازمان صنعتی، نظریه درونی سازی و نظریه مکان. او استدلال کرد که اگر یک شرکت بخواهد در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت کند، باید سه شرط را برآورده کرد. اولاً، شرکت باید دارای برخی از مزایای مالکیت نسبت به سایر شرکت‌ها باشد. این مزایا معمولاً از در اختیار داشتن دارایی‌های نامشهود خاص شرکت ناشی می‌شود. دوم، استفاده از این مزایا برای شرکت باید سودمندتر باشد تا اینکه آن‌ها را به شرکت‌های مستقل دیگر بفروشد یا اجاره دهد. در نهایت، استفاده از این مزایا در ترکیب با حداقل برخی از نهادهای فاکتوری مستقر در خارج از کشور باید سودآورتر باشد، در غیر این صورت بازارهای خارجی منحصراً از طریق صادرات تأمین می‌شوند؛ بنابراین، برای انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرکت باید از مزایای مالکیت و بین‌المللی سازی برخوردار باشد و یک کشور خارجی باید از مزیت‌های مکانی نسبت به کشور اصلی شرکت برخوردار باشد (Luc et al., 2024).

رویکرد التقاطی فرض می‌کند که تمام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان با ارجاع به شرایط فوق توضیح داد. همچنین فرض می‌کند که مزایای ذکر شده در بالا احتمالاً به‌طور یکسان بین کشورها، صنایع و شرکت‌ها پخش نمی‌شوند و احتمالاً در طول زمان تغییر می‌کنند. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک کشور خاص در یک برهه زمانی خاص به مزیت‌های مالکیت و بین‌المللی سازی شرکت‌های کشور و به مزیت‌های مکانی کشور در آن مقطع زمانی بستگی دارد. دانینگ (۱۹۷۹، ۱۹۸۰) از این رویکرد برای پیشنهاد دلایل تفاوت در الگوی صنعتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پنج کشور توسعه‌یافته و ارزیابی اهمیت متغیرهای مالکیت و مکان در توضیح الگوی صنعتی و توزیع جغرافیایی فروش استفاده کرد.

۲-۳- پیتر ایوانز

ایوانز، پس از توصیف پیش‌فرض‌های مهم ساختاری در دولت‌های توسعه‌گرا در قالب نظریه‌ی «خودگردانی متکی بر جامعه»، برای تبیین نوع دخالت‌های دولت و چگونگی به عرصه آوردن امکانات ساختاری به بررسی چهار نقش تأثیرگذار دولت برای این امر می‌پردازد. این چهار نقش عبارت‌اند از تولی‌گری تصدی‌گری، قابلیت‌گری، پرورش‌گری. دو نقش ابتدایی، بیانگر تغییراتی است که در نقشهای متعارف دولت در قالب مقررات‌گذار و تولیدکننده به وجود آمده است و نقش‌های قابلیت‌گری و پرورش‌گری به رابطه‌ی بین سازمان‌های دولتی و گروه‌های کارآفرین خصوصی می‌پردازد (Evans, 2003). متولیان همان مقررات‌گذاران هستند آن‌ها مراقبت‌های لازم را تأمین و حمایت می‌کنند و امنیت لازم را برقرار می‌سازند برخی قوانین، تشویقی‌اند و هدف از آن‌ها برانگیختن و انگیزه دادن است. بعضی دیگر به‌عکس مانع از بروز انگیزه‌های کنشگران خصوصی می‌شوند. تصدی‌گری نقش تولیدکننده را افزایش می‌دهد. هنگامی که دولت تصمیم می‌گیرد نقش متصدی را ایفا کند مستقیماً درگیر فعالیت‌های تولیدی می‌شود، نه فقط به شیوه‌هایی که سرمایه‌گذاری خصوصی را تکمیل کند بلکه جانشین آن‌ها می‌شود و یا با آن‌ها به رقابت می‌پردازد. ایفای نقش تصدی‌گری مستلزم وجود مفروضاتی قوی درباره عدم‌کفایت سرمایه‌ی خصوصی است. اگر سرمایه‌ی محلی نتواند بخش جدیدی را توسعه دهد و سرمایه‌ی فراملی نیز اشتیاقی به این کار نداشته باشد، ایفای نقش متصدی می‌تواند تنها راه تحول صنعتی باشد (Hassani et al., 2024).

دولت به‌جای آن که خود را در جایگاه تولیدکنندگان خصوصی قرار دهد، می‌تواند به شکل‌گیری گروه‌های کارآفرین جدید یاری رساند و کارآفرینان موجود را ترغیب کند که دست به تلاش‌هایی چالش‌برانگیزتر بزنند اتخاذ این نقش دولت را در موقعیت نوعی قابل‌قرار می‌دهد ایوانز (۱۳۸۰، ۱۵۱) به‌منظور ایفای نقش قابلیت‌گری می‌توان از روش‌ها و سیاست‌های متنوعی بهره گرفت برپا کردن گلخانه‌ای از تعرفه‌ها محدودیت‌های واردات و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری به‌منظور حمایت از بخش‌های نوپا در مقابل رقابت خارجی بارزترین مثال است ایوانز (۱۳۸۰، ۱۵) پرورش‌گری مانند قابلیت‌گری می‌تواند صورت‌های گوناگون داشته باشد می‌تواند به‌سادگی ارسال علائمی مبنی بر حمایت دولت از شرکت‌هایی باشد که به لحاظ فن شناختی به عرصه‌های چالش‌برانگیزتری از بخش صنعتی وارد می‌شوند می‌تواند به پیچیدگی تأسیس شرکت‌های دولتی به‌منظور انجام فعالیت‌های تکمیلی مخاطره‌آمیزتر باشد، مانند تحقیق و توسعه که بدون آن بنگاه خصوصی نمی‌تواند حرکت کند. صرف‌نظر از این‌که چه شیوه‌هایی به کار گرفته شوند پرورش‌گری شامل ترکیبی از حمایت و انگیزش است (Evans, 2003). موفقیت ایجاد مزیت نسبی به توانایی دولت در ایفای نقش‌هایی بستگی دارد که منجر به رشد بخش‌های خاص شود؛ بخش‌هایی که زمینه‌ی چندبعدی را به نفع توسعه عرضه می‌کنند و باعث ارتقای موقعیت دولت در اقتصاد جهانی می‌شوند (Evans, 2003)؛ ازجمله این بخش‌ها که زمینه‌ساز چندبعدی به نفع توسعه است می‌توان به بخش‌های فناوری با تکنولوژی بالا اشاره کرد. الگوی برگرفته از نظر ایوانز در مورد نقش‌های دولت در امر توسعه به شرح زیر ارائه می‌شود.



شکل ۱. الگوی نقش‌های دولت در توسعه اقتصادی

۳- وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

در این بخش وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی تاکنون با توجه به آمار و اطلاعات استخراج‌شده از سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران (OITAI) به‌عنوان تنها نهاد متولی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و همچنین آمار ارائه‌شده از سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) به‌عنوان نهاد بین‌المللی ناظر بر امور سرمایه‌گذاری خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

۳-۱- آمار سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران

آمار ارائه‌شده از سوی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مصوب در ایران

سال	تعداد طرح مصوب	سرمایه مصوب به هزار دلار
۱۴۰۲	۲۳۶	۴,۴۲۴,۷۳۱
۱۴۰۱	۱۲۹	۳,۵۹۱,۱۵۷
۱۴۰۰	۱۲۲	۱,۴۵۵,۹۱۸
۱۳۹۹	۱۱۴	۱,۱۴۰,۵۳۷
۱۳۹۸	۶۳	۹۵۲,۰۰۷
۱۳۹۷	۶۸	۵۱۸,۷۸۵
۱۳۹۶	۸۲	۲,۵۶۴,۴۷۴
۱۳۹۵	۶۱	۱,۵۳۵,۷۵۱
۱۳۹۴	۳۸	۱,۲۴۴,۰۵۷
۱۳۹۳	۲۸	۱۱۰,۰۵۳
۱۳۹۲	۳۷	۶۷۸,۴۷۵
۱۳۹۱	۳۶	۱۴۰,۹۱۶

۱۳۹۰	۳۴	۱,۱۸۴,۷۵۷
۱۳۸۹	۲۸	۶۱۹,۴۳۴
۱۳۸۸	۲۲	۴۲۰,۸۵۷
۱۳۸۷	۳۴	۳۶۸,۵۵۵
۱۳۸۶	۵۳	۲,۰۹۳,۲۳۵
۱۳۸۵	۴۲	۲,۲۷۳,۱۵۱
۱۳۸۴	۳۱	۳,۸۴۶,۲۷۱
۱۳۸۳	۲۰	۴,۵۶۶,۵۴۳
۱۳۸۲	۲۷	۱,۵۵۲,۲۸۷
۱۳۸۱	۱۷	۴۵۵,۷۱۴
۱۳۸۰	۶	۱۶۲,۹۸۰
۱۳۷۹	۱۵	۹۰۰,۹۹۶
۱۳۷۸	۱۴	۱,۱۳۴,۶۶۸
۱۳۷۷	۶	۷,۳۶۵
۱۳۷۶	۱۷	۱۷۰,۴۸۴
۱۳۷۵	۱۱	۶۳,۴۸۷
۱۳۷۴	۷	۱۸۱,۸۸۰
۱۳۷۳	۳	۱۸۷,۶۵۳
۱۳۷۲	۳	۲۱,۲۷۲

منبع: سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران

تحلیل آمار تعداد طرح‌های مصوب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در کنار میزان سرمایه‌گذاری انجام شده نشان‌دهنده روندهای مهمی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سال‌های مختلف است. با نگاهی به داده‌ها، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰، سرمایه مصوب به طور کلی نوسانات زیادی داشته است. در سال ۱۳۷۲، سرمایه مصوب تنها ۲۱,۲۷۲ هزار دلار بوده و در سال ۱۳۸۰ به ۱۶۲,۹۸۰ هزار دلار افزایش می‌یابد.

از سال ۱۳۸۱ به بعد، سرمایه مصوب افزایش یافته و در سال ۱۳۸۳ با ۴,۵۶۶,۵۴۳ هزار دلار رسید.

در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، سرمایه مصوب به ترتیب به ۳,۸۴۶,۲۷۱ و ۲,۲۷۳,۱۵۱ هزار دلار کاهش یافته است.

در سال ۱۳۹۶، سرمایه مصوب به ۲,۵۶۴,۴۷۴ هزار دلار رسید. از آن سال به بعد، سرمایه مصوب به تدریج کاهش می‌یابد و به ۵۱۸,۷۸۵ هزار دلار در سال ۱۳۹۷ و ۱,۴۵۵,۹۱۸ هزار دلار در سال ۱۴۰۰ می‌رسد.

در سال ۱۴۰۱، سرمایه مصوب به ۳,۵۹۱,۱۵۷ هزار دلار افزایش می‌یابد، اما در سال ۱۴۰۲ به ۴,۴۲۴,۷۳۱ هزار دلار می‌رسد. در کل، سرمایه مصوب به ایران از سال ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۲ روندی نوسانی و غیرقابل پیش‌بینی داشته است. در حالی که در برخی سال‌ها شاهد ورود قابل توجه سرمایه بوده‌ایم، اما در سال‌های اخیر کاهش محسوس سرمایه مصوب به وضوح مشهود است. این نوسانات می‌تواند نشان‌دهنده چالش‌های مختلفی باشد که بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیر گذاشته است لذا می‌توان به این نکته اشاره نمود که با توجه به تحریم‌های اعمال شده و ریسک سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران بزرگ اقبال کمتری به سرمایه‌گذاری در ایران نشان داده‌اند و از آن سو سرمایه‌گذاران خرد (SME)ها و صنایع کوچک زودبازده اقبال بیشتری به این موضوع نشان داده‌اند که می‌بایست در ارائه مدل پیشنهادی برای کشورمان این نکته مدنظر قرار گیرد. لذا برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها، نیاز به ادامه بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی و همچنین ایجاد محیطی امن و پایدار برای سرمایه‌گذاران می‌باشد.

۳-۲- آمار آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد)

آمار ارائه‌شده از سوی آنکتاد به شرح جدول زیر است:

جدول ۲. آمار ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران (منبع: آنکتاد)

سال	جریان ورود سرمایه (میلیون دلار)	سهم از کل جهان (درصد)
۲۰۲۳	۱۴۲۲	۰/۱۰۶۷۹
۲۰۲۲	۱۵۰۰	۰/۱۱۰۶
۲۰۲۱	۱۴۲۵	۰/۰۸۷۸۶
۲۰۲۰	۱۳۴۲	۰/۱۳۶۳۰
۲۰۱۹	۱۵۰۸	۰/۰۸۷۲۰
۲۰۱۸	۲۳۷۳	۰/۱۷۲۴۳
۲۰۱۷	۵۰۱۹	۰/۳۰۳۹۶
۲۰۱۶	۳۳۷۲	۰/۱۶۶۹۸
۲۰۱۵	۲۰۵۰	۰/۱۰۰۰
۲۰۱۴	۲۱۰۵/۴۹۴	۰/۱۵۰۶
۲۰۱۳	۳۰۴۹/۹۴۵	۰/۲۰۹۵
۲۰۱۲	۴۶۶۱/۷۳۴	۰/۳۱۹۵
۲۰۱۱	۴۲۷۶/۷۱۹	۰/۲۶۷۱
۲۰۱۰	۳۶۴۸/۹۷۲	۰/۲۶۶۵
۲۰۰۹	۲۹۸۳/۴۲۲	۰/۲۶۲۳۰
۲۰۰۸	۱۹۷۹/۹۸۸	۰/۱۳۶۱۱
۲۰۰۷	۲۰۱۷/۷۹۲	۰/۱۰۶۷۹
۲۰۰۶	۲۳۱۷/۵۳۹	۰/۶۵۴۲
۲۰۰۵	۲۸۸۹/۱۹۲	۰/۳۰۲۸
۲۰۰۴	۳۰۳۷/۳	۰/۴۳۴۳
۲۰۰۳	۲۸۷۷/۴۸۱	۰/۵۲۳۵
۲۰۰۲	۳۵۱۹/۳۸	۰/۵۹۶۱
۲۰۰۱	۴۰۸/۱۱۹	۰/۰۵۲۷۸
۲۰۰۰	۱۹۳/۵۷۵	۰/۰۱۴۲
۱۹۹۹	۱۵/۶۲۱	۰/۰۰۱۴
۱۹۹۸	۳۷/۵۶۹	۰/۰۰۵۵
۱۹۹۷	۴۳/۰۱۲	۰/۰۰۸۹
۱۹۹۶	۲۰/۴۹	۰/۰۰۵۲
۱۹۹۵	۸/۷۶۳	۰/۰۰۲۵
۱۹۹۴	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰۱۱
۱۹۹۳	۲۰۷/۵۵	۰/۰۹۳۳
۱۹۹۲	۸/۵	۰/۰۰۵۱
۱۹۹۱	۲۲/۵۹	۰/۰۱۵
۱۹۹۰	-۳۶۱/۹۵	-۰/۱۷۶۶

روند ورود سرمایه به کشور ایران در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ نشان‌دهنده نوسانات قابل توجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار دارد.

ورود سرمایه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به طور کلی نوسانات زیادی داشته است. در این دوره، در سال ۱۹۹۰، ورود سرمایه به میزان ۳۶۱/۹۵- میلیون دلار بوده که نشان‌دهنده خروج سرمایه یا عدم ورود آن است.

از سال ۱۹۹۹ به بعد، ورود سرمایه به تدریج افزایش یافته و به ۴۰۸/۱۱۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ می‌رسد.

از سال ۲۰۰۴ به بعد، ورود سرمایه افزایش می‌یابد و در سال ۲۰۱۷ به ۵۰۱۹ میلیون دلار می‌رسد. این افزایش می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی در آن زمان مرتبط باشد.

در سال ۲۰۱۲، ورود سرمایه به ۴۶۶۱/۷۳۴ میلیون دلار رسید که نشان‌دهنده یک دوره رونق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

از سال ۲۰۱۸ به بعد، ورود سرمایه به تدریج کاهش یافته و به ۲۳۷۳ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ و سپس به ۱۴۲۲ میلیون دلار در سال ۲۰۲۳ رسید. این کاهش می‌تواند به عوامل مختلفی از جمله تحریم‌ها، ناپایداری اقتصادی و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به فضای کسب و کار مرتبط باشد. به‌ویژه در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، ورود سرمایه به ۱۳۴۲ و ۱۴۲۵ میلیون دلار کاهش یافته است.

در کل، ورود سرمایه به ایران از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ روندی نوسانی و غیرقابل پیش‌بینی داشته است. در حالی که در برخی سال‌ها شاهد ورود قابل توجه سرمایه بوده‌ایم، اما در سال‌های اخیر کاهش محسوس ورود سرمایه به وضوح مشهود است. این نوسانات می‌تواند نشان‌دهنده چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد که بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیر گذاشته است. برای بهبود این روند، نیاز به ایجاد ثبات سیاسی، بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران وجود دارد.

به‌طورکلی، با توجه به آمار و اطلاعات ارائه شده از جانب سازمان سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان تنها نهاد متولی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و همچنین آمار ارائه شده از جانب آنکتابد به عنوان نهاد بین المللی ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی نشان دهنده این است که جذب سرمایه‌های خارجی در شرایط امنیت و ثبات اقتصادی و سیاسی امکان پذیر خواهد بود و تا زمانی که این بستر فراهم نشود اقبال به سرمایه‌گذاری در کشور میزبان کاهش خواهد یافت لذا در کنار وضع قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی، ثبات سیاسی و امنیت سرمایه‌گذاری از عوامل افزایش میزان سرمایه‌گذاری است.

۴-مروری بر الگوهای نظری توسعه‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل کلیدی در توسعه صنعتی کشورها به شمار می‌آید. با این حال، برای اینکه این نوع سرمایه‌گذاری به نتایج مطلوب منجر شود، نیاز به یک دولت توسعه‌گرا و کارآمد وجود دارد. دولت توسعه‌گرا به معنای آن است که دولت باید به‌طور فعال در فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی دخالت کند و سیاست‌هایی را اتخاذ کند که به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد بستر مناسب برای رشد صنعتی کمک کند. نظریه مارکس وبر در این زمینه به اهمیت خودگردانی و نقش جامعه در توسعه اقتصادی اشاره دارد. بر اساس این نظریه، دولت باید به‌عنوان یک نهاد تسهیل‌کننده عمل کند و به جامعه این امکان را بدهد که در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت داشته باشد. این خودگردانی به معنای توانمندسازی جامعه برای مشارکت در توسعه صنعتی و اقتصادی است. به عبارت دیگر، دولت باید به‌جای کنترل کامل بر فرآیندهای اقتصادی، فضایی را فراهم کند که جامعه بتواند با استفاده از منابع و توانمندی‌های خود، به توسعه صنعتی بپردازد. در این راستا، دولت توسعه‌گرا باید به ایجاد زیرساخت‌های لازم، تسهیل قوانین و مقررات و فراهم کردن شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی بپردازد. این اقدامات می‌تواند شامل ارائه مشوق‌های مالی، تسهیل در فرآیندهای اداری و قانونی و ایجاد یک محیط کسب‌وکار پایدار و جذاب باشد. همچنین، توجه به نیازها و خواسته‌های جامعه محلی و مشارکت آن‌ها در فرآیند توسعه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به‌طورکلی، برای اینکه سرمایه‌گذاری خارجی منجر به توسعه صنعتی شود، نیاز به یک دولت توسعه‌گرا وجود دارد که با تکیه بر نظریه مارکس وبر و خودگردانی مبتنی بر اجتماع، به ایجاد شرایط مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها و توانمندسازی جامعه بپردازد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک چرخه مثبت اقتصادی منجر شود که در آن سرمایه‌گذاری‌های خارجی به توسعه صنعتی و بهبود کیفیت زندگی مردم کمک کند. از طرفی، نظریه پیتر ایوانز به بررسی نقش دولت در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی می‌پردازد و بر اهمیت چندگانه‌ای که دولت می‌تواند در این زمینه ایفا کند، تأکید دارد. این نظریه چهار نقش کلیدی برای دولت تعریف می‌کند که هر یک از آن‌ها به‌نوعی به تسهیل و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. این نقش‌ها شامل متولی‌گری و تصدی‌گری که تمامی دولت‌ها آن را ایفا می‌کنند به‌علاوه نقش قابلیت‌گری و پرورش‌گری هستند.

نقش متولی‌گری به معنای قانون‌گذاری و ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی است. دولت باید قوانین و مقرراتی را وضع کند که به شفافیت و امنیت سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند. این قوانین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از حقوق سرمایه‌گذاران حمایت کرده و به ایجاد یک محیط کسب‌وکار پایدار و قابل پیش‌بینی منجر شوند. با این کار، دولت می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کرده و آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در کشور تشویق کند.

نقش تصدی‌گری به تولید و ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی اشاره دارد. دولت باید در زمینه‌های مختلفی از جمله حمل‌ونقل، انرژی و فناوری اطلاعات سرمایه‌گذاری کند تا زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه صنعتی فراهم شود. این زیرساخت‌ها به‌عنوان پایه‌ای برای رشد اقتصادی عمل کرده و به بخش خصوصی این امکان را می‌دهند که به فعالیت‌های خود ادامه دهد و گسترش یابد.

نقش قابلیت‌گری به معنای حمایت از بخش خصوصی به‌جای رقابت با آن است. دولت باید به‌جای اینکه به‌عنوان رقیب بخش خصوصی عمل کند، به حمایت از آن بپردازد. این حمایت می‌تواند شامل ارائه مشوق‌های مالی، تسهیل در فرآیندهای اداری و قانونی و فراهم کردن دسترسی به منابع و اطلاعات باشد. با این رویکرد، دولت می‌تواند به تقویت بخش خصوصی کمک کرده و به رشد و توسعه آن تسهیل کند. نقش پرورش‌گری نیز به تشویق و ترغیب بخش خصوصی در مسیر توسعه اشاره دارد. دولت باید با ارائه برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی، بخش خصوصی را به نوآوری و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید تشویق کند. این تشویق می‌تواند شامل برگزاری دوره‌های آموزشی، ارائه مشاوره‌های تخصصی و ایجاد شبکه‌های همکاری بین بخش‌های مختلف اقتصادی باشد. با این کار، دولت می‌تواند به ارتقاء توانمندی‌های بخش خصوصی و افزایش رقابت‌پذیری آن کمک کند.

با توجه به نظریه پیتر ایوانز، می‌توان نتیجه گرفت که دولت باید به‌عنوان یک نهاد تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده در فرآیند توسعه اقتصادی عمل کند. این رویکرد چندگانه به دولت این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثری به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه صنعتی کمک کند و در نتیجه، به بهبود کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم منجر شود.

با توجه به موارد فوق، درمجموع برای رسیدن به سرمایه‌گذاری مطلوب خارجی و دستیابی به توسعه پایدار، در وهله نخست شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این عوامل داخلی و خارجی می‌باشند که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی می‌شوند و هر یک به‌نوعی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی تأثیر می‌گذارند. در این راستا، دولت باید به‌طور جامع و سیستماتیک به بررسی و تحلیل این عوامل بپردازد.

عوامل اقتصادی شامل شرایط بازار، نرخ بهره، تورم و ثبات اقتصادی هستند. سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال محیطی با ثبات اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیر هستند؛ بنابراین، دولت باید سیاست‌های اقتصادی مناسبی را اتخاذ کند که به حفظ ثبات اقتصادی و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. این شامل مدیریت صحیح مالی، کنترل تورم و ایجاد بستر مناسب برای رشد اقتصادی است.

عوامل سیاسی نیز نقش بسزایی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارند. ثبات سیاسی، شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و عدم وجود فساد از جمله مواردی هستند که سرمایه‌گذاران به آن‌ها توجه می‌کنند. دولت باید با تقویت نهادهای دموکراتیک و ایجاد شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند. همچنین، ایجاد یک محیط سیاسی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کند.

عوامل فرهنگی نیز می‌توانند بر سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار باشند. تفاوت‌های فرهنگی، زبان و آداب‌ورسوم می‌توانند بر نحوه تعامل سرمایه‌گذاران با بازار محلی تأثیر بگذارند. دولت باید با ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، به تسهیل ارتباطات بین سرمایه‌گذاران خارجی و جامعه محلی بپردازد. این اقدامات می‌تواند به کاهش موانع فرهنگی و افزایش همکاری‌ها کمک کند.

عوامل حقوقی نیز از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی هستند. وجود قوانین و مقررات شفاف و قابل پیش‌بینی، حمایت از حقوق مالکیت و تضمین اجرای قراردادها از جمله مواردی هستند که سرمایه‌گذاران به آن‌ها توجه می‌کنند. دولت باید با اصلاح قوانین و ایجاد یک سیستم حقوقی کارآمد، به حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی بپردازد و اطمینان حاصل کند که حقوق آن‌ها به‌خوبی محافظت می‌شود.

پس از شناسایی عوامل مؤثر، دولت باید به ایجاد یک نگاه توسعه‌ای با تأکید بر ارتباطات بین‌المللی و سیاست خارجی بپردازد. این به معنای ایجاد روابط مثبت با کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی است. دولت باید از دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی استفاده کند و با برقراری توافقات تجاری و همکاری‌های اقتصادی، بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کند.

در مرحله بعد، دستیابی به راهبرد کلان توسعه‌ای در حوزه‌های اولویت‌دار سرمایه‌گذاری خارجی ضروری است. یکی از حوزه‌های مهم در این زمینه در ایران، صنعت پتروشیمی است. با توجه به منابع غنی نفت و گاز در کشور، توسعه صنعت پتروشیمی می‌تواند به‌عنوان یک اولویت استراتژیک در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مطرح شود. دولت باید با شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این حوزه و ارائه مشوق‌های مناسب، به جذب سرمایه‌گذاران خارجی در صنعت پتروشیمی بپردازد.

با توجه به موارد فوق، مدل توسعه در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تمامی مراحل از شناسایی فرصت‌ها تا اجرای پروژه‌ها باشد. این مدل باید شامل ایجاد زیرساخت‌های لازم، تسهیل قوانین و مقررات و فراهم کردن مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاران باشد. همچنین، دولت باید به ایجاد یک سیستم نظارتی کارآمد بپردازد تا اطمینان حاصل کند که سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌طور مؤثر و بهینه اجرا می‌شوند.

علاوه بر این، دولت باید به ایجاد همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیق و توسعه بپردازد. این همکاری‌ها می‌توانند به انتقال فناوری‌های نوین و بهبود کیفیت تولیدات داخلی کمک کنند. همچنین، ایجاد شبکه‌های همکاری بین شرکت‌های داخلی و خارجی می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری و بهبود عملکرد اقتصادی کشور منجر شود.

درنهایت، برای دستیابی به سرمایه‌گذاری مطلوب خارجی و توسعه اقتصادی، دولت باید به‌طور مستمر به ارزیابی و بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های خود بپردازد. این ارزیابی‌ها باید شامل بررسی تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اقتصاد و جامعه باشد. با این رویکرد، دولت می‌تواند به بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و افزایش جذابیت کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی کمک کند.

به‌طورکلی، دستیابی به سرمایه‌گذاری مطلوب خارجی نیازمند یک رویکرد جامع و سیستماتیک است که شامل شناسایی عوامل مؤثر، ایجاد نگاه توسعه‌ای، دستیابی به راهبردهای کلان و ارائه مدل‌های توسعه باشد. با اتخاذ این رویکرد، دولت می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و دستیابی به توسعه پایدار کمک کند.

۵- الگوی مطلوب جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای توسعه یافته

بررسی الگوی کشورهای موفق در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این الگو به شرح ذیل قابل‌ارائه است:

گام اول: تدوین استراتژی

- تدوین استراتژی مدون: ایجاد یک استراتژی جامع و به‌روز برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی که به‌طور دوره‌ای بازنگری و به‌روزرسانی شود. این استراتژی باید با توجه به نیازهای اقتصادی و اولویت‌های توسعه‌ای کشور تدوین گردد.
- تعیین مکان‌های سرمایه‌گذاری: شناسایی مناطق و صنایع با پتانسیل بالا برای جذب سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در بخش‌های کلیدی مانند پتروشیمی، انرژی و فناوری اطلاعات.
- مشخص نمودن اولویت‌های بخشی: تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری بر اساس نیازهای اقتصادی و مزیت‌های نسبی کشور، به‌ویژه در صنایع با ارزش‌افزوده بالا.
- هدف‌گیری بنگاه‌های خاص: شناسایی و هدف‌گذاری بنگاه‌های خاص و بین‌المللی که می‌توانند در پروژه‌های کلیدی مشارکت کنند.
- تعامل نزدیک با سرمایه‌گذاران: ایجاد کانال‌های ارتباطی مؤثر با سرمایه‌گذاران به‌منظور دریافت بازخورد و به‌روزرسانی استراتژی‌ها بر اساس نیازهای آن‌ها.
- وجود نهادهای شفاف: تعیین و معرفی نهادهای مسئول در فرآیند جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد رویه‌های شفاف برای تعامل با آن‌ها.

گام دوم: ارائه تصویر مناسب و برقراری تماس با سرمایه‌گذار

- اطلاع‌رسانی هدفمند: استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و دیجیتال برای اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مزایای آن.
- هدفمندتر بودن ارتباطات: شناخت دقیق از نیازهای اقتصاد محلی و منطقه‌ای و برقراری ارتباطات هدفمند با سرمایه‌گذاران.
- استفاده از وبسایت‌های تعاملی: ایجاد وبسایت‌های تعاملی برای ردیابی و پاسخگویی سریع به درخواست‌ها و تماس‌های سرمایه‌گذاران.
- برخورد حرفه‌ای کارکنان: آموزش کارکنان پذیرش و مشاوره به‌منظور ارائه خدمات حرفه‌ای و تخصصی به سرمایه‌گذاران.
- کانال‌های ارتباطی متنوع: ایجاد دفاتر نمایندگی در کشورهای هدف به‌منظور تسهیل ارتباطات و جذب سرمایه‌گذاری.

— ارائه تصویر مثبت: برگزاری رویدادها و مناسبت‌ها برای معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجارب موفق در ایران.

گام سوم: مساعدت به تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری

- استفاده از اطلاعات و امکانات: فراهم کردن اطلاعات دقیق و به‌روز برای تسهیل تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران.
- استخدام نیروهای متخصص: جذب کارشناسان باتجربه از بخش خصوصی برای تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری.
- پنجره واحد کارآمد: ایجاد یک پنجره واحد برای تسهیل فرآیندهای اداری و قانونی سرمایه‌گذاری.
- مدیریت پروژه‌ها: تعیین مدیران پروژه‌های خاص برای ارائه خدمات مشتری محور و مدیریت مؤثر سرمایه‌گذاری‌ها.
- سیستم‌های مدیریت ارتباطات: ایجاد سیستم‌های جامع برای مدیریت ارتباطات و دانش به‌منظور بهبود فرآیندها.
- حرفه‌ای بودن اطلاع‌رسانی: ارائه اطلاعات دقیق و شفاف درباره هزینه‌ها و مزایای پروژه‌ها به سرمایه‌گذاران.

گام چهارم: ارائه خدمات حمایتی به سرمایه‌گذار

- خدمات مشاوره‌ای: ارائه خدمات مشاوره‌ای یکپارچه به سرمایه‌گذاران برای تسهیل فرآیند کسب مجوزها و یافتن مکان مناسب.
- معرفی منابع مالی: کمک به سرمایه‌گذاران در شناسایی منابع مالی و پیمانکاران محلی برای تسهیل فعالیت‌ها.
- تربیت نیروی انسانی: همکاری با نهادهای آموزشی برای تأمین نیروی انسانی متخصص و طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای سرمایه‌گذاران.

گام پنجم: مراقبت‌های پس از سرمایه‌گذاری

- بهبود بازده مالی: تمرکز بر آموزش نیروی انسانی و بهبود کیفیت تأمین‌کنندگان داخلی برای افزایش بازده مالی بنگاه‌ها.
- کمک به MNC ها: حمایت از شرکت‌های چندملیتی در ریشه‌دار شدن در اقتصاد محلی و ارتقای فعالیت‌های آن‌ها به سمت فعالیت‌های باارزش‌افزوده بالاتر.
- تقویت همکاری‌های تحقیقاتی: ایجاد همکاری‌های مؤثر بین MNC ها و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی برای ارتقاء توانمندی‌های تحقیقاتی.
- فرآیندهای بین‌دستگاهی: ایجاد فرآیندهای منظم برای ارتباط با نهادهای دولتی و نظارتی به‌منظور تسهیل فعالیت‌های سرمایه‌گذاران.
- پایگاه اطلاعاتی دقیق: ایجاد پایگاه داده‌ای برای نظارت بر فعالیت بنگاه‌ها و ارزیابی تأثیرات سرمایه‌گذاری‌ها.

گام ششم: نقش‌آفرینی در سیاست‌گذاری

- هماهنگی در سیاست‌گذاری: ایجاد سازوکارهای هماهنگ برای سیاست‌گذاری سریع و مؤثر در سطوح محلی و منطقه‌ای.
- ارتباط دائمی با سرمایه‌گذاران: برقراری ارتباط مستمر با سرمایه‌گذاران برای شناسایی مشکلات و چالش‌های کلیدی و سیاست‌گذاری جهت رفع آن‌ها.
- جریان سریع اطلاعات: تسهیل جریان اطلاعات میان دولت و سرمایه‌گذاران برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها و تسريع در فرآیندها.

۶- نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی

نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است. پس از انقلاب ۱۳۵۷، با کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دلیل ناامنی و تغییرات قانونی، ایران با چالش‌های جدی در جذب FDI مواجه شد؛ اما از اوایل دهه ۷۰ با تصویب قوانین جدید مانند قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌های خارجی و ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی، تلاش‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت گرفت. این قوانین به افزایش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی کمک کرد و پتانسیل‌های اقتصادی ایران را به نمایش گذاشت. با این حال، به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، عدم ثبات اقتصادی و سیاسی و مشکلات زیرساختی، ایران هنوز نتوانسته است به توفیق قابل‌توجهی در جذب FDI در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه دست یابد. به‌طور کلی، FDI می‌تواند به‌عنوان یک منبع مهم برای انتقال فناوری، ایجاد اشتغال و بهبود زیرساخت‌ها در ایران عمل کند، اما نیاز به یک محیط سرمایه‌گذاری پایدار و جذاب برای تحقق این اهداف وجود دارد. تحلیل آنکند به نوسانات و چالش‌های موجود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی اشاره دارد، به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ که نشان‌دهنده نیاز به ایجاد ثبات سیاسی و بهبود شرایط اقتصادی است. این نوسانات می‌تواند مانع از جذب سرمایه‌گذاران خارجی شود و بر روند توسعه اقتصادی تأثیر منفی بگذارد.

بررسی پژوهش انجام شده نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) برای اینکه بتواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نماید نیازمند تدوین استراتژی کلان و شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کنار عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی از جمله شاخص‌های اقتصاد کلان مانند GDP، نقدینگی، تورم، مالیات، ارز، ریسک اعتباری، بهره‌وری و بازرگاری و تدوین قانون و مقررات تشویقی و نحوه مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی و سیاست خارجی فعال می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های پژوهش در دوره تحقیق در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نشان می‌دهد نتوانسته ایم توفیق چندانی به دست آوریم. لذا ایجاد محیط امن و پایدار برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بازرگاری و تدوین استراتژی کلان و شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری در کنار ارتقای شاخصهای موثر بر FDI می‌تواند راهگشا باشد.

راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر اساس اسناد بالادستی، به‌ویژه برنامه‌های توسعه‌ای، بر ایجاد یک محیط مناسب و امن برای سرمایه‌گذاران، تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و کاهش موانع قانونی و اداری تأکید دارد. این راهبردها شامل جذب فناوری‌های نوین، تقویت بخش خصوصی و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی است. هدف اصلی این است که با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، وابستگی به درآمدهای نفتی کاهش یابد و توسعه همه جانبه در کشور محقق شود.

با این حال، چندین عامل مانع از تحقق این اهداف شده‌اند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، تحریم‌های بین‌المللی است که به‌ویژه از سوی کشورهای غربی علیه ایران اعمال شده و باعث کاهش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به ورود به بازار ایران شده است. این تحریم‌ها نه تنها بر روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیر منفی گذاشته‌اند، بلکه همچنین باعث ایجاد عدم اطمینان در بازار و کاهش همکاری‌های بین‌المللی شده‌اند. علاوه بر تحریم‌ها، عدم ثبات سیاسی و اقتصادی نیز یکی دیگر از چالش‌های جدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. نوسانات سیاسی و اقتصادی در ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، باعث ایجاد نگرانی در میان سرمایه‌گذاران شده و آن‌ها را از سرمایه‌گذاری در کشور بازداشته است. همچنین، مشکلات زیرساختی و ضعف در برخی از بخش‌ها مانند حمل‌ونقل و انرژی، می‌تواند مانع از جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود.

درنهایت، موانع قانونی و اداری، به‌ویژه پیچیدگی‌های بوروکراتیک و عدم شفافیت در فرآیندهای سرمایه‌گذاری، می‌تواند به‌عنوان یک مانع جدی برای سرمایه‌گذاران خارجی عمل کند. برای تحقق اهداف جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، نیاز به ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری پایدار، بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی و کاهش موانع قانونی و اداری وجود دارد. این اقدامات می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تحقق توسعه پایدار در کشور کمک کنند.

درمجموع می‌توان گفت سرمایه‌گذاری خارجی برای اینکه بتواند باعث رشد و توسعه پایدار در کشورمان شود و پویایی لازم را به‌منظور ایفای نقش خود اعمال نماید علاوه بر فراهم نمودن بستر لازم برای عواملی چون امنیت سرمایه، کاهش بوروکراسی اداری، ایجاد انگیزه مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، برقراری کامل امنیت اقتصادی، اعمال سیاست‌های شفاف‌سازی اقتصادی و سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی و زیرساخت‌های فیزیکی نظیر سیستم ارتباطی و فرودگاه و...، بهبود شرایط دیپلماتیک کشور در عرصه جهانی و عضویت در مجامع بین‌المللی و انعقاد پیمان‌های چندجانبه بین‌المللی و غیره بایستی رویکردی را بکار گیرد که واقعیات اقتصاد کشور در آن لحاظ شده باشد.

۷- جمع‌بندی و پیشنهاد الگوی توسعه‌ای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایران

با توجه به جمیع جهات، سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یک عامل کلیدی در تحقق توسعه اقتصادی کشورها شناخته می‌شود و برای ایران نیز این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به چالش‌های اقتصادی و نیاز به بهبود زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای تسریع در روند توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی کشور عمل کند. در این راستا، ضروری است که مقدمات لازم برای استفاده از این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور جامع و سیستماتیک فراهم شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، وجود یک نظام مالیاتی شفاف و کارآمد است. قوانین مالیاتی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که سرمایه‌گذاران خارجی احساس امنیت و اطمینان کنند. این شامل کاهش مالیات‌های غیرضروری، ارائه مشوق‌های مالیاتی و تسهیل فرآیندهای اداری مرتبط با مالیات است. همچنین، باید قوانین مالیاتی به‌طور منظم بازنگری و به‌روز شوند تا با تغییرات اقتصادی و نیازهای سرمایه‌گذاران هم‌راستا باشند.

بهبود فرآیندهای گمرکی و تسهیل ورود و خروج کالاها از دیگر عوامل کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. ایجاد سیستم‌های الکترونیکی و دیجیتال برای تسهیل فرآیندهای گمرکی و کاهش زمان انتظار برای ترخیص کالاها می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران کمک کند. همچنین، باید قوانین گمرکی شفاف و قابل پیش‌بینی باشند تا سرمایه‌گذاران بتوانند به‌راحتی برنامه‌ریزی کنند.

دسترسی به سیستم بانکی و تأمین مالی مناسب از دیگر عوامل مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. بانک‌ها باید خدمات مالی متنوع و مناسبی را برای سرمایه‌گذاران خارجی ارائه دهند. این شامل تسهیلات اعتباری، مشاوره مالی و خدمات ارزی است. همچنین، باید بهبود روابط بانکی بین‌المللی و کاهش موانع برای انتقال وجوه از خارج به داخل کشور موردتوجه قرار گیرد.

وجود ثبات در متغیرهای کلیدی اقتصادی مانند نرخ ارز، تورم و نقدینگی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار حیاتی است. نوسانات شدید در این متغیرها می‌تواند ریسک‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و سرمایه‌گذاران را از ورود به بازار ایران منصرف کند؛ بنابراین، دولت باید سیاست‌های اقتصادی مؤثری را برای حفظ ثبات اقتصادی و کاهش نوسانات در این متغیرها اتخاذ کند.

استفاده بهینه و کارآمد از منابع ملی نیز از دیگر عوامل کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این شامل شناسایی و اولویت‌بندی پروژه‌های کلیدی و استراتژیک است که می‌توانند به توسعه پایدار کشور کمک کنند. همچنین، باید برنامه‌ریزی دقیقی برای تخصیص منابع مالی و انسانی به این پروژه‌ها انجام شود تا از حداکثر پتانسیل موجود استفاده شود.

بهبود روابط اقتصادی با کشورهای دیگر و کاهش ریسک‌های بین‌المللی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این شامل ایجاد توافقات تجاری و اقتصادی با کشورهای هدف، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. همچنین، باید تلاش شود تا تصویر مثبتی از ایران در سطح بین‌المللی ایجاد شود تا سرمایه‌گذاران خارجی با اطمینان بیشتری به بازار ایران وارد شوند.

سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی کشورها، نیازمند توجه دقیق به شرایط داخلی و عملکرد اقتصاد ملی است. این موضوع به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که با چالش‌های خاصی مواجه هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به‌صورت تصادفی و در هر بخشی انجام شود، بلکه باید هدف‌دار و با توجه به استراتژی‌های توسعه‌ای مشخص صورت گیرد.

برای دستیابی به سرمایه‌گذاری هدف‌دار، تدوین یک استراتژی توسعه‌ای سرمایه‌گذاری ضروری است. این استراتژی باید بر اساس نیازها و اولویت‌های اقتصادی کشور طراحی شود و به‌گونه‌ای باشد که بتواند به حل مشکلات و کاستی‌های موجود در رشد و توسعه اقتصادی کمک کند. در این راستا، باید به شرایط کلان اقتصادی، قوانین و مقررات، فضای کسب‌وکار، نظام مالیاتی و سایر عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری توجه ویژه‌ای شود. با توجه به شرایط کنونی ایران، پیتر ایوانز به سه ویژگی اصلی اشاره کرد که بر جذب سرمایه‌گذاری تأثیرگذار هستند:

اتکای شدید به صادرات منابع طبیعی: ایران به‌طور عمده به صادرات نفت و گاز وابسته است. این اتکای شدید به درآمدهای نفتی، دولت را در معرض نوسانات قیمت جهانی نفت قرار داده و موجب فرسایش درآمدهای دولت شده است. این وابستگی می‌تواند به عدم تنوع در اقتصاد و کاهش جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی منجر شود. درنتیجه، ضروری است که کشور به سمت تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و توسعه صنایع غیرنفتی حرکت کند.

پایین بودن تراز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: ایران با چالش‌های جدی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مواجه است. این موضوع به دلیل عدم ارتباط مؤثر با شرکت‌های تولیدی فراملی و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین نبود زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی است. بهبود این وضعیت نیازمند ایجاد روابط بین‌المللی قوی‌تر و تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری است.

پیتر ایوانز تأکید می‌کند که همه دولت‌ها نمی‌توانند موفق باشند و موفقیت به الگوی توسعه‌ای بستگی دارد که متناسب با شرایط خاص هر کشور باشد؛ بنابراین، جذب سرمایه‌گذاری باید مکمل استراتژی توسعه کشور باشد و به‌گونه‌ای طراحی شود که اولویت‌های سرمایه‌گذاری در ایران به سمت حوزه‌هایی برود که کشور در آن‌ها مزیت نسبی دارد.

با توجه به شرایط و ویژگی‌های ایران، می‌توان به چند حوزه کلیدی اشاره کرد که می‌توانند به‌عنوان اولویت‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شوند:

فناوری اطلاعات و ارتباطات (IT): با توجه به رشد سریع فناوری و نیاز به دیجیتالی شدن در تمامی بخش‌ها، سرمایه‌گذاری در حوزه IT می‌تواند به بهبود بهره‌وری و افزایش رقابت‌پذیری کمک کند. این حوزه همچنین می‌تواند به ایجاد اشتغال و توسعه مهارت‌های نیروی کار کمک نماید.

پتروشیمی و انرژی: ایران دارای منابع غنی نفت و گاز است و توسعه صنایع پتروشیمی می‌تواند به‌عنوان یک زنجیره ارزش مهم در نظر گرفته شود. سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند به تولید محصولات باارزش افزوده بالا و افزایش صادرات کمک کند.

کشاورزی (برای صادرات): با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی، توسعه بخش کشاورزی و افزایش تولید محصولات کشاورزی می‌تواند به تأمین نیازهای داخلی و همچنین صادرات کمک کند. این موضوع می‌تواند به بهبود امنیت غذایی و افزایش درآمد کشاورزان نیز منجر شود.

صنعت توریسم: ایران با تاریخچه فرهنگی غنی و جاذبه‌های طبیعی فراوان، پتانسیل بالایی در صنعت توریسم دارد. سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند به جذب گردشگران خارجی و افزایش درآمدهای ارزی کمک کند.

با توجه به جذابیت بازار بزرگ ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی و برخورداری از منابع طبیعی فراوان در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی که دارای زنجیره ارزش جهانی هستند، همچنین نیاز به فناوری اطلاعات (IT)، میبایست الگویی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تدوین گردد که منجر به توسعه صادرات، افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و انتقال تکنولوژی شود. استراتژی مناسب برای کشور ما در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی به شرطی که اولویت‌های اقتصادی و صنعتی کشور در این زمینه مشخص شده و در راهبرد و رویکرد توسعه‌ای کشور لحاظ گردد، ضروری است.

مطالعات مختلفی که در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) انجام شده‌اند، به بررسی عوامل مؤثر بر این جریان و چالش‌های موجود در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. توسلی نیا و همکاران (۱۴۰۳) نیز به تأثیر شاخص‌های سلامت بر جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که بهبود شرایط سلامت جمعیت می‌تواند به جذب FDI کمک کند. این موضوع در مطالعه حاضر نیز مورد توجه قرار گرفته است، زیرا بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یک عامل کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شناسایی شده است. به‌طور کلی، هر دو مطالعه بر این نکته تأکید دارند که عوامل اجتماعی و اقتصادی به‌طور مستقیم بر جذب سرمایه‌گذاری تأثیرگذار هستند (Tavasolinia et al., 2024).

حسینی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی موفقیت چین در جذب FDI به سیاست‌گذاری عمومی و اصلاحات مکرر در این زمینه اشاره کرده‌اند. این یافته‌ها با نتایج مطالعه حاضر که بر اهمیت تدوین استراتژی‌های توسعه‌ای هدف‌دار و بهبود فضای کسب‌وکار تأکید دارد، همخوانی دارد. هر دو مطالعه به این نتیجه می‌رسند که برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، نیاز به سیاست‌های مؤثر و اصلاحات مستمر وجود دارد (Hassani et al., 2024).

سولومون و همکاران (۲۰۲۳) نیز به تأثیر FDI و نرخ ارز بر توسعه اقتصادی نیجریه پرداخته و نشان داده‌اند که FDI می‌تواند به تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌ای کمک کند. این یافته‌ها با نتایج مطالعه حاضر که بر اهمیت بهبود فرآیندهای گمرکی و دسترسی به تأمین مالی مناسب تأکید دارد، همخوانی دارد. هر دو مطالعه به این نتیجه می‌رسند که FDI به‌تنهایی نمی‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی شود و نیاز به محیط مساعد و تسهیل رویه‌های پیش از سرمایه‌گذاری دارد (Solomon et al., 2023).

شائو و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه خود به بررسی نقش FDI در نوآوری سبز پرداخته‌اند و به ارتباط U شکلی بین FDI و نوآوری سبز اشاره کرده‌اند. این یافته‌ها با تأکید مطالعه حاضر بر نیاز به تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و تمرکز بر حوزه‌های دارای مزیت نسبی مانند فناوری اطلاعات و پتروشیمی همخوانی دارد. به‌طور کلی، هر دو مطالعه بر اهمیت نوآوری و توسعه پایدار تأکید دارند (Shao et al., 2023).

شیرزادی (۱۳۹۰) در کتاب خود به بررسی و تحلیل مفاهیم نوسازی، توسعه و جهانی شدن و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند. این کتاب به صورت تحلیلی و توصیفی نوشته شده است. نویسنده در این کتاب به جمع‌بندی و ارائه اطلاعات جامع و کاملی از مفاهیم نوسازی، توسعه و جهانی شدن می‌پردازد و ارتباطات میان این مفاهیم و تأثیرات آن‌ها بر جوامع را تحلیل می‌کند (Shirzadi, 2011).

نتایج مطالعه حاضر که به نظریه پیتز ایوانز و نقش دولت در فرآیند توسعه اقتصادی اشاره دارد، با یافته‌های سایر مطالعات هم‌خوانی دارد. بنابراین در حوزه نظریات توسعه‌ای ایوانز به دولت خودگردان، مستقل، وبری که توسعه گرا است و با ایفای نقش قابلیت‌ها و پرورش گری در کنار نقش‌های تولی و تصدی می‌تواند با سیاست‌گذاری درست و فراهم نمودن بستر اقتصاد ملی و تدوین استراتژی مناسب در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نهایتاً باعث توسعه و رشد اقتصادی کشور شود. با توجه به نتایج تحقیق، برای حصول به الگوی مطلوب مطرح‌شده، پیشنهادهایی به شرح ذیل قابل طرح است:

۱. تدوین استراتژی توسعه صادرات:

به‌جای اتکا به استراتژی جایگزینی واردات که دهه‌ها است در کشورمان اجرا می‌شود، باید بر روی توسعه صادرات در حوزه‌های دارای مزیت نسبی تمرکز شود. این رویکرد نه تنها به افزایش درآمدهای ارزی کمک می‌کند، بلکه به تقویت موقعیت رقابتی کشور در بازارهای جهانی نیز منجر خواهد شد.

۲. چیدمان بهینه منابع ملی:

استفاده کارآمد و بهینه از منابع ملی یکی از ارکان اساسی توسعه همه جانبه است. این شامل شناسایی و تخصیص منابع به پروژه‌ها و بخش‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارند. بهینه‌سازی مصرف منابع و جلوگیری از هدر رفت آن‌ها می‌تواند به افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی منجر شود.

۳. محدود کردن فعالیت‌های نامولد:

فعالیت‌های نامولد به‌عنوان مانع اصلی فعالیت‌های مولد در اقتصاد ملی شناخته می‌شوند؛ بنابراین، باید اقداماتی برای محدود کردن این فعالیت‌ها انجام شود و به‌جای آن، بر روی فعالیت‌های مولد و تولیدی تمرکز شود. این امر می‌تواند به ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کند.

۴. ایجاد ثبات در متغیرهای کلیدی اقتصادی:

حفظ ثبات در متغیرهای کلیدی نظیر نقدینگی، تورم و نرخ ارز از اهمیت بالایی برخوردار است. نوسانات شدید در این متغیرها می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و سرمایه‌گذاران را از ورود به بازار منصرف کند؛ بنابراین، دولت باید سیاست‌های اقتصادی مؤثری را برای حفظ ثبات اقتصادی اتخاذ کند.

۵. تدوین قوانین و مقررات تسهیل‌کننده:

ارائه و تدوین قوانین و مقررات حقوقی و اقتصادی شفاف و تسهیل‌کننده برای سرمایه‌گذاران خارجی، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری کمک کند. این قوانین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که اطمینان و امنیت سرمایه‌گذاران را تأمین کنند و فرآیندهای اداری را تسهیل نمایند.

۶. ایجاد تعامل مثبت و سازنده با جامعه جهانی:

ایجاد تعامل مثبت و تفاهم‌آمیز با جامعه جهانی و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مانند WTO می‌تواند به بهبود روابط اقتصادی و کاهش موانع تجاری کمک کند. این تعاملات می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش صادرات کمک کنند.

۷. بهبود فضای کسب‌وکار:

بهبود و ارتقای فضای کسب‌وکار از طریق کاهش موانع اداری، تسهیل فرآیندهای ثبت‌نام و صدور مجوزها و ایجاد محیطی شفاف و رقابتی، می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران خارجی کمک کند. فضای کسب‌وکار باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاران احساس امنیت و اطمینان کنند.

۸. شفافیت در عملیات ورود و خروج کالا و سرمایه:

بهبود و شفافیت در عملیات ورود و خروج کالا و سرمایه، می‌تواند به تسهیل تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند. ایجاد سیستم‌های الکترونیکی و دیجیتال برای تسهیل این فرآیندها می‌تواند به کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با تجارت بین‌المللی منجر شود.

۹. ارائه مشوق‌های مالیاتی:

ارائه مشوق‌های مالیاتی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به ورود به بازار ایران کمک کند. این مشوق‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به سرمایه‌گذاران انگیزه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلیدی ارائه دهند.

۱۰. تقویت نهادهای استاندارد کیفی:

تقویت نهادهای استاندارد کیفی در تحقیق و توسعه و آمادگی برای جذب اثرات سرریز تکنولوژی همراه با سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند به بهبود کیفیت محصولات و خدمات داخلی کمک کند. این امر می‌تواند به افزایش رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی منجر شود.

۱۱. اجرای خصوصی‌سازی‌های واقعی:

انجام خصوصی‌سازی‌های واقعی می‌تواند به بهبود کارایی و بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی کمک کند. این رویکرد می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود خدمات عمومی منجر شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Investment has historically been recognized as a pivotal driver of economic growth and development, often referred to as the engine of economic expansion. In recent decades, one of the prominent global economic features has been the substantial growth in Foreign Direct Investment (FDI). According to the United Nations Conference on Research and Development, FDI is defined as long-term relationships between investors and host countries, serving as a critical tool for nations to attract new financial resources and playing multifaceted roles in the host country's development (Klein, 2001). Various studies have highlighted the diverse benefits of FDI, including job creation,

acquisition of new technologies and knowledge, development of human resources, integration with global trade, establishment of a competitive business environment, growth of domestic companies, and overall comprehensive development for host countries (Abdul Majeed et al., 2021; Majumder & Saikat, 2023). Over the past fourteen years, global economic transformations, such as the collapse of the former Eastern Bloc and the shift in developing countries' strategies from import substitution to export-oriented development, have intensified the competition among developing nations to attract FDI (Gál & Gábor, 2022). Consequently, both industrialized and developing countries are engaged in fierce competition to secure FDI, which complements their national economic activities. Successful countries in this domain have first established robust development programs and realistic strategies, determining the sectors and industries where FDI is most needed based on their development strategies and optimal allocation of national resources (William et al., 2022).

The study delves into various theoretical models that explain FDI behaviors and patterns. One prominent theory is Vernon's Product Life Cycle Theory, which posits that FDI arises as products mature and become standardized, prompting firms to establish production units abroad to capitalize on cost efficiencies and market proximity (Vernon, 1960). This theory raises questions about why firms prefer FDI over licensing technology, which is addressed by the Internalization Theory proposed by Dunning. According to Dunning (1977, 1979, 1988), firms engage in FDI to exploit their ownership advantages, internalize operations to reduce transaction costs, and leverage location-specific benefits, provided that these advantages outweigh the costs associated with foreign investments. However, these theories have limitations, particularly in explaining the nuances of FDI decisions in different national contexts. To address these gaps, Peter Evans introduced a model emphasizing the multifaceted roles of governments in fostering FDI. Evans (2001) identifies four key roles for governments: stewardship, stewardship as regulator and producer, facilitation, and nurturing (Evans, 2003). These roles encompass creating a conducive legal framework, investing in infrastructure, supporting private sector initiatives, and encouraging innovation and entrepreneurship, thereby aligning government actions with national development objectives.

The historical trajectory of FDI in Iran reflects significant fluctuations influenced by political and economic factors. Prior to 1931, FDI in Iran was minimal, with foreign powers like Russia and the United Kingdom exploiting national resources through unilateral investment agreements (Iran Investment Organization, 2012). Following the Islamic Revolution in 1979, Iran experienced a sharp decline in FDI due to political instability, war-induced economic disruptions, and international sanctions. However, the introduction of incentive laws in the early 1990s marked a turning point, resulting in increased FDI inflows from approximately \$3 million in 1957 to over \$4.4 billion by 2025 (Iran Investment Organization, 2024). Despite these efforts, Iran has yet to achieve substantial success in attracting FDI comparable to other developing nations. Data from the United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) indicates that FDI inflows to Iran have been volatile, with notable peaks and troughs influenced by global economic conditions, domestic policy changes, and geopolitical tensions. The decline in recent years, particularly from 2018 to 2023, underscores the persistent challenges Iran faces, including international sanctions, economic instability, and infrastructural deficiencies, which deter foreign investors.

Building on Peter Evans' theoretical framework, the study emphasizes the critical role of government in shaping FDI outcomes. Evans (2001) argues that governments must transition from traditional regulatory roles to more proactive facilitation and nurturing roles to effectively attract and sustain FDI. This involves not only creating a stable and transparent legal environment but also investing in essential infrastructure, providing financial incentives, and fostering a competitive business climate.

In the context of Iran, the lack of a coherent development strategy for FDI has resulted in concentrated investments in low value-added sectors such as oil extraction and petrochemicals, primarily through technology licensing agreements. To enhance FDI attractiveness, Iran must adopt a comprehensive development model that aligns with its national priorities, diversifies its economic base, and leverages its comparative advantages. This includes identifying key sectors for investment, improving macroeconomic stability, enhancing the business environment, and implementing targeted policies that address both the internal and external factors influencing FDI inflows.

The empirical analysis presented in the study utilizes data from the Iran Investment Organization and UNCTAD to examine FDI trends in Iran from 1957 to 2025. The data reveals that FDI inflows have been highly variable, with significant increases following the introduction of incentive laws and strategic development plans. For instance, FDI surged from \$3 million in 1957 to \$4.566 billion in 2014, followed by fluctuations due to political upheavals and economic sanctions. The period from 2018 to 2023 saw a notable decline in FDI inflows, attributed to intensified international sanctions, economic instability, and infrastructural challenges. These fluctuations highlight the critical need for Iran to establish a stable and predictable investment climate. The study underscores that sustained FDI growth is contingent upon political stability, economic reforms, and the establishment of robust legal and regulatory frameworks that protect investor interests and facilitate seamless business operations.

To address the challenges identified, the study proposes a development model tailored to Iran's unique economic and political landscape, drawing on Peter Evans' roles of stewardship, facilitation, and nurturing. Key recommendations include:

1. **Formulating a Comprehensive FDI Strategy:** Develop a clear and updated strategy for attracting FDI, regularly reviewing it to align with evolving economic priorities and global trends.
2. **Enhancing Macroeconomic Stability:** Implement policies to stabilize key economic variables such as inflation, exchange rates, and liquidity to reduce investment risks and build investor confidence.
3. **Improving the Business Environment:** Streamline administrative and legal processes, reduce bureaucratic hurdles, and enhance transparency to create a more attractive environment for foreign investors.
4. **Targeting Priority Sectors:** Focus FDI efforts on sectors where Iran has comparative advantages, such as petrochemicals, energy, information technology, agriculture, and tourism, to maximize value addition and export potential.
5. **Providing Financial Incentives:** Offer tax incentives, grants, and subsidies to attract foreign investors, particularly in high-value and strategic industries.
6. **Strengthening Legal and Regulatory Frameworks:** Ensure the protection of investor rights, enforce contracts effectively, and create a predictable legal environment to safeguard foreign investments.
7. **Promoting International Relations:** Engage in active economic diplomacy, establish bilateral and multilateral trade agreements, and participate in international organizations to enhance Iran's global economic integration and attractiveness to foreign investors.
8. **Investing in Infrastructure:** Develop and upgrade essential infrastructure, including transportation, energy, and communication networks, to support industrial activities and attract FDI.

9. **Fostering Innovation and Technology Transfer:** Encourage collaboration between foreign investors and domestic firms, support research and development initiatives, and facilitate the transfer of advanced technologies to boost local capabilities and competitiveness.
10. **Monitoring and Evaluation:** Establish robust monitoring systems to track FDI performance, assess the impact on economic development, and make necessary adjustments to policies and strategies based on empirical evidence and feedback from stakeholders.

Conclusion

Foreign Direct Investment (FDI) plays a crucial role in Iran's economic development by providing financial resources, transferring technology, creating employment, and enhancing overall economic competitiveness. However, the effectiveness of FDI in fostering sustainable growth is highly dependent on the implementation of strategic development policies and the creation of a conducive investment environment. The study highlights that Iran must adopt a multifaceted approach that includes macroeconomic stabilization, legal and regulatory reforms, targeted investment strategies, and active government facilitation to attract and sustain FDI. Drawing on Peter Evans' theoretical framework, the proposed development model emphasizes the government's role in stewardship, facilitation, and nurturing to align FDI with national development goals. By addressing internal challenges such as political instability, economic volatility, and infrastructural deficiencies, and by leveraging its comparative advantages in key sectors, Iran can enhance its attractiveness to foreign investors and achieve sustained economic growth and development. Future efforts should focus on continuous policy evaluation, fostering international partnerships, and promoting innovation to ensure that FDI contributes effectively to Iran's long-term economic objectives.

References

- Abdul Majeed, R., Ping, J., Mahmood, A., Muhammad, A. K., & Judit, O. (2021). The Impact of Foreign Direct Investment on Financial Development: New Evidence from Panel Cointegration and Causality Analysis. *Journal of Cryptology*. <https://doi.org/10.7441/JOC.2021.01.06>
- Agarwal, J. P. (1980). Determinants of foreign direct investment: a survey. *Weltwirtschaftliches Archiv*, 106, 739-777. <https://doi.org/10.1007/BF02696547>
- Davoodi, P., & Shahmoradi, A. (2004). An Examination of Factors Influencing Foreign Direct Investment in Iran and 46 Other Countries Using an Integrated Model. *Iranian Economic Research Quarterly*(20).
- Evans, P. (2003). *Development or Plunder: The Role of the State in Industrial Transformation*. Tarh-e No Publications.
- Gál, Z., & Gábor, L. (2022). 6. FDI-based regional development in Central and Eastern Europe: A review and an agenda. *Tér és társadalom*. <https://doi.org/10.17649/tet.36.3.3439>
- Hassani, H., Golshani, A., & Mirtorabi, S. S. (2024). The Public Policy Process and an Examination of China's Success in Attracting Foreign Direct Investment from the 1990s to 2022. *Journal of Political and International Studies*(58), 42-56.
- Klein, M. C. (2001). *Foreign Direct Investment*. the World Bank.
- Luc, A., Fotue, T., Joseph, P., Ngameni, R., & Poumeni. (2024). Does foreign direct investment promote access to basic services? The case of drinking water in Africa. *African Development Review*. <https://doi.org/10.1111/1467-8268.12743>
- Majumder, T., & Saikat, S. R. (2023). FDI and Growth: A Re-look at Evidence on Developing Economies. *Arthaniti: Journal Of Economic Theory And Practice*. <https://doi.org/10.1177/09767479231163654>
- Organization for Investment, E., & Technical Assistance of Iran. (2012). *Study Plan on Organizing Foreign Investment in Iran*.
- Ruiz, J., de, M., Adenauer, G., Casali, Marcello, M., Antonio, J., Ibáñez-Molina, M., Felipa, S., & Sergio, I. P. (2024). FDI: A MATLAB tool for computing the fractal dimension index of sources reconstructed from EEG data. *Computers in Biology and Medicine*. <https://doi.org/10.1016/j.combiomed.2024.108871>

- Shao, H., Huang, X., & Wen, H. (2023). Foreign direct investment, development strategy, and green innovation. *Energy & Environment*. <https://doi.org/10.1177/0958305X231164674>
- Shirzadi, R. (2011). *Modernization, Development, and Globalization*. Agah Publications.
- Solomon, K., Akpoviro, & Lubica, V. (2023). Correlate of foreign direct investment and economic development evidence from Nigeria. *Humanities and Social Sciences*. <https://doi.org/10.22364/hssl.31.1.03>
- Tavasolinia, A., Jafari Samimi, A., & Abrishami, H. (2024). Sensitivity Analysis of Health Indicators to Inflows of Foreign Direct Investment. *Journal of Econometric Modeling*(33), 164-189.
- UNCTAD. (2024). *World Investment Report*.
- Vernon, R. (1960). International Investment and International Trade In Product Cycle. *The Quarterly Journal of Economics*, 80, 128-231.
- William, O., Otieno, & Josiah, A. (2022). Foreign direct investments and economic growth: a critical literature review. *International Journal of Finance*. <https://doi.org/10.47941/ijf.971>